

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه

۲۷ اپریل ۲۰۲۲



یونس نگاه

نسخه فیسبوک پذیر آن خواب

یادداشت:

طنزی را که به ارتباط خواب ذبیح الله مجاهد نوشته بودم و در آن ملای کلان از کودستان دنیای دیگر گپ زده بود، فیسبوک حذف کرده هشدار داد که این شوخی‌ها خلاف مقررات ماست. برای بیست و چهار ساعت ممنوع‌الکلم نیز شدم. بر پیشانی صفحه‌ام علامت "این حساب محدود شده است" بعد از مدتی، دوباره ظاهر گردید. خانه فیسبوک آباد که شلاق نمی‌زند. این محدودیت‌هایش را تحمل می‌کنیم. آن طنز را کمی نرم کرده دوباره نشر می‌کنم. امیدوارم باز حذف نکنند.

ذبیح الله میم در سالگرد مرگ رهبرش گفت که ملای کلان، علمای افغانستان را زیر یک چتر جمع کرد و تفرقه را از بین برد. بعد از گفتن این سخنان، ذبیح الله خوابید و ملای کلان به خوابش آمده پرسید: "او بچه تو از کدام علماء گپ می‌زنی؟"

مجاهد جواب داد: "امیرصایب، از علمائی مثل ملا حس.. آخذ، ملا هب.. الله آخذ، ملابیاد.. آخذ و بسیار علمای دیگر."

ملای کلان گفت: "هوش‌کنی بازی نخوری. اینجه مثل او دنیا خپله خندی نیست. اونائی ره که مه جمع کده بودم علماء نبودن، ملا بودن."

مجاهد: "چرا امیر صایب، مگه ملا عالم نیس؟"

ملای کلان: "نی بچیم. ایجه ده خارج دنیا که ما آمدم، از انشتین پائین ره کسی عالم حساب نمی‌کنه. مره ده کودستان شانندن."

مجاهد: "چه می‌گین امیر صایب، شما از نو الفبی می‌خوانین؟"

امیر صاحب: "نی، حساب و ضرب زبانی می خوانم. جمع و ضرب یادم میتن. الفبی و پنجسوره ره امتحان دادم باز مره ده کودکستان گرفتن."

مجاهد: "دیگه چه گپاس، امیر صایب؟"

امیر صاحب: "بچیم مره دیگه امیر نگو. مه ده ای چندسال که کودکستان رفتیم سرم باز شده و می فامم که امیر ممیر نبودیم. کلش بازی بود. مره عمر بگو، نه کم نه زیاف."

مجاهد: "خو عمر صایب، هرچه باشه شما همی ملاها را متحد ساختین."

عمر: "نی بچیم. اینجه مه ده ای چند سال کودکستان، فامیدم که متحد او رقیمی همیشه که بری چند درجن ملا کلدان بتی و گله گوسفند واری قطارشان کنی. شرط اول اتحاد استقلال رأی است. ما او بیچارا ره با کلدان جمع کده بودیم. اونائی که ده کلدان تن نمی دادن با سوته و شلاق تابع کدیم. باز سر ازو، کجا متحد بودیم؟ عمر ما ده جنگ تیر شد."

مجاهد: "هرچه بود اختلافات کم شده بود. شما اگه اونجه ده کودکستان هم باشین، ده ای دنیای فانی بری ما الگو هستین."

عمر: "اختلاف زیاد بود بچیم. از سروپای ما اختلاف می بارید. اگر مه می تانستم شما ملاها ره متحد کنم، آیا گپ به اینجه می کشید که ده جبهه داعش، حزب التحریر، القاعده، طالب و رقم رقم گروه های دیگه به جان هم بیفتین؟ پشت مه دیگه تهمت نکنین که روح آزده میشه."